

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حقوق زوجه غایب مفقود الاثر

تالیف:
هدا زارعی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۵

فهرست مطالب

مقدمه

مبحث اول: نفقه زوجه غایب:

گفتار اول- تعریف نفقه:

گفتار دوم- ادله ی وجوب نفقه :

گفتار سوم- ویژگی ها و میزان نفقه زوجه:

گفتار چهارم: بررسی فقهی و قانونی نفقه

بند اول: در صورت بقاء رابطه زوجیت

بند دوم: در صورت انحلال نکاح

بند اول: معنای لغوی مهریه

گفتار دوم- ادله وجوب مهر:

بند اول: از قرآن

بند دوم - از سنت:

بند سوم - در اجماع فقها:

بند چهارم - دلیل عقل:

گفتار سوم: مالکیت زن بر مهریه و نحوه تعیین آن

بند اول - مالکیت زن بر مهریه

بند دوم - ضمانت اجرای مهر

بند دوم - مهریه زوجه غایب بعد از طلاق

گفتار چهارم: مهریه زوجه قبل و بعد از انحلال

نکاح

بند اول - مهریه زوجه غایب قبل از طلاق

بند سوم - مهریه زوجه غایب در صورت صدور

حکم موت فرضی غایب:

مبحث سوم: میراث زوجه غایب و شرایط مربوط

به آن

گفتار اول: تعریف ارث:

بند دوم: معنای اصطلاحی ارث

گفتار دوم: شرایط تحقق ارث زوجه غایب:

بند اول- فوت غایب (حقیقی یا فرضی)

بند دوم: وجود علقه زوجیت:

بند سوم- بقاء زوجیت در زمان فوت

بند چهارم- دائمی بودن نکاح:

گفتار سوم: اموال و حقوق موضوع ارث

بند اول- اموال موضوع ارث

بند دوم- حقوق موضوع ارث:

گفتار چهارم: اثر بازگشت غایب نسبت به ارث

زوجه

مبحث چهارم: اجرت المثل ایام زوجیت:

فصل دوم: تکالیف زوجه غایب مفقود الاثر:

مبحث اول: حضانت:

گفتار اول: کلیات

بند اول - دلایل استحقاق زوجه بر حضانت اطفال

بند دوم - عناصر متشکله حضانت:

بند اول: مسئولیت های حقوقی:

گفتار دوم: مسئولیت های ناشی از حضانت:

بند اول - موانعی که در قانون آمده است:

بند دوم - موانعی که نیاز به ارزیابی دادگاه دارد:

مبحث دوم: عده زوجه غایب:

گفتار اول: بررسی موضوع در فقه امامیه:

گفتار دوم: بررسی موضوع در قانون مدنی:

بخش دوم: حق غیرمالی زوجه غایب (حق انحلال
نکاح)

مبحث اول: در فقه امامیه

فصل اول: طلاق زوجه غایب در اسلام و حقوق

ایران

مبحث دوم- در فقه عامه:

مبحث سوم: در حقوق ایران

بند اول: مقررات شکلی و تشریفات طلاق زوجه

غایب:

بند دوم- اثر عدم رعایت مقررات و تشریفات

مربوط به طلاق زوجه غایب:

بند سوم: عدم تأثیر سن غایب در صدور حکم

طلاق

بند چهارم: ابتدا مدت چهار سال مقرر در قانون و

فقه

بند پنجم: نمونه‌ای از آرای محاکم در مورد طلاق

زوجه به علت غیبت شوهر:

گفتار دوم- طلاق زوجه غایب به علت عسر و

حرج ناشی از غیبت

گفتار سوم- طلاق زوجه غایب با استفاده از شرط

وکالت در طلاق

فصل دوم: راههای دیگر انحلال نکاح برای زوجه

غایب

مبحث اول: حق فسخ نکاح زوجه غایب

گفتار اول: موجبات فسخ نکاح

گفتار دوم: موجبات، شرایط و آثار فسخ نکاح
برای زوجه غایب:

مبحث دوم - تاثیر صدور حکم موت فرضی بر
رابطه نکاح:

گفتار اول - نظریه سرایت حکم موت فرضی بر
رابطه نکاح و انحلال آن:

مبحث سوم: وضعیت زوجه غایب مفقودالاثر در
نکاح منقطع:

فصل اول: وضعیت حقوقی زوجه غایب در
اقلیتهای غیرمسلمان ایران

مبحث اول: مقررات زرتشتیان

گفتار دوم - قواعد کلیسای انجیلی پروتستان:

مبحث دوم - مقررات مسیحیان

گفتار اول: قواعد مسیحی گریگوریان خلیفه گری

گفتار سوم: قواعد مسیحی ارتدکس روس

فصل دوم: مقررات بعضی از کشورهای خارجی

گفتار چهارم: قواعد ارامنه کاتولیک تهران:

مبحث سوم: مقررات کلیمیان

مبحث اول: مقررات کشورهای مسلمان

مبحث دوم: مقررات برخی از کشورهای غیر

مسلمان.

مقدمه

اهمیت خانواده و اثر انکار ناپذیر آن در سلامت انسان و اجتماع باعث شده است که تمامی علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی، فلسفه‌ی اخلاق، اقتصاد، تاریخ، حقوق و حتی علوم دیگر مانند زیست‌شناسی و آمار از دیدگاه ویژه خود به آن پردازند. حقوق خانواده از پژوهش‌های این علوم برای تنظیم قواعد حاکم بر آن کانون طبیعی و اجتماعی سود می‌برند.

در حقوق کنونی با اندکی مسامحه می‌توان در تعریف خانواده گفت: «گروهی است که به دلیل قرابت یا زوجیت، همبستگی حقوق و اجتماعی یافته و در رهبری و ریاست مقامی قرار گرفته است»

خانواده در معنی خاص و محدود خود شامل زن و شوهر و فرزندان آنها می باشد گروهی که هدایت و حمایت آنان با پدر است و همبستگی میان اعضای آن حقوق و تکالیفی به بار می آورد که در میان سایر خویشان وجود ندارد. در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی که ریاست خانواده را به شوهر اختصاص داده است خانواده به همین معنی محدود به کار رفته است.

تا زمانی که شوهر در محل زندگی و اقامت خود حضور دارد ، اموال، اولاد و همسر او تحت نظام حقوقی مشخصی قرار دارند ولی هرگاه این شخص ناپدید شد و اثری از او یافت نشد، نظام حقوقی حاکم بر اموال، اولاد و همسر او که هر کدام بحث

مستقلی بوده و مباحث مربوط به خود را می‌طلبد به تبع آن تغییر خواهد کرد.

بنابراین باید ابتدا به بیان مفهوم غیبت پردازیم تا مشخص شود که غایب مفقود الاثر چه کسی است؟ و سپس ببینیم که همسر او در دوران غیبت دارای چه حقوق و تکالیفی خواهد بود؟

نخستین عنصر تعریف حقوقی غایب، غیبت است یعنی غیبت از اقامتگاه (محل سکونت یا محل کار) که همان مرکز مهم امور شخص می‌باشد.

ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی قرار می‌دارد: اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد

اگر محل سکونت مشخص غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب می شود.

ماده ۱۰۱۱ قانون مدنی نیز مقرر می دارد: غایب مفقودالاثراثر کسی است که از غیبت او مدت بالنسبه مدیدی گذشته و از او به هیچ وجه خبری نباشد.

در مورد انقضای مدت بالنسبه طولانی تشخیص موضوع باید به عرف واگذار شود و نظر عرف نیز نسبت به امر در شرایط مختلف و به اعتبار ازمنه و امکنه متغیر است بنابراین دادگاهها در خصوص مورد با توجه به عرف محل اظهار نظر خواهند نمود و تعیین زمان مشخص از پیش لازم و مناسب نیست.

غایب مفقودالاثراثر یک اصطلاح حقوقی است که مقنن مواد ۱۰۱۱ تا ۱۰۴۰ قانون مدنی و ۱۲۶ تا ۱۶۱

قانون امور حسبی را به این موضوع اختصاص و احکامی را بیان نموده است.

علاوه بر آن در فقه موضوع غیبت و غایب مورد بحث و بررسی قرار گرفته و چنین غیبتی را غیبت منقطعه و کسی را که به این نحو غیبت نموده غایب مفقود می نامند ولی در قانون مدنی چنین شخصی غایب مفقود الاثر نامیده شده که به نظر می رسد چون غایب دارای اموال و فرزندان و زوجه است و آثار و نشانه هایی از او بر جای مانده، اصطلاح مفقودالخبر مناسب تر از مفقود الاثر باشد.

در گفتگوهای روزانه غایب به کسی گفته می شود که در زمان معین در محلی که می بایست در آنجا یافت شود حاضر نیست بدین معنی دانشجویی که به

جلسه درس نیامده یا کارمندی که به اداره نرفته و یا فردی که خانه خود را برای انجام کاری ترک گفته یا در مسافرت است ، هر کدام به نوبه خود غایب محسوب می گردانند.

اما از لحاظ حقوقی اصطلاح غایب دارای معنای دقیق تری است و از این رو باید میان مفهوم «غیبت» و عدم «حضور» فرق گذاشت. شخص «غیرحاضر» آن کسی است که در مورد وجود او هیچ گونه شکلی در بین نیست و فقط در اقامتگاه و یا مسکن معمولی خویش حضور ندارد. اما مطابق ماده ۱۰۱۱ قانون مدنی : «غایب مفقودالاثراثر کسی است که از غیبت او مدات بالنسبه مدیدی گذشته و از او به هیچ وجه خبری نباشد».

بدین معنی که درباره ادامه حیات او دچار شک تردید گشته ایم به دیگر سخن نمی دانیم که او زنده است یا مرده زیرا مدت نسبتاً درازی است که بدون بر جای گذاشتن نشانه تازه ای اقامتگاه و یا مسکن معمولی خود را ترک گفته و از آن پس نیز هیچگونه اطلاعی از او در دست نیست.

علت این که در این ماده قانونگذار بر کلمه «غایب» و صف «مفقودالاثار» را اضافه کرده است متمایز ساختن مفهوم غیب از عدم حضور است.

آنچه مراد از این پژوهش است همانا بررسی وضعیت حقوقی زوجه غایب یا حقوق و تکالیفی است که نامبرده در خلال غیبت شوهر دارد درمورد چنین زنی ممکن است سوالات متعددی مطرح شود

که هدف از این تحقیق پاسخگویی به این سوالات و بررسی تطبیقی مطالب مذکور می باشد. فرضا آیا نامبرده همانند زمان حضور شوهر خود حق نفقه دارد یا به علت عدم حضور نامبرده از چنین حقی محروم است؟

وضعیت مهریه وارث زوجه به چه صورت خواهد بود؟ آیا شخص غایب را باید مرده پنداشت یا زنده؟ چه آنکه حسب هر یک از دو مورد زوجه نسبت به ما ترک او محق یا غیر محق خواهد بود از سوی دیگر این سوالات پیش می آید که در دوران غیبت چه تکالیفی بر عهده زوجه قرار می گیرد؟

بالاخص در خصوص زوجه غایب این سوال مطرح می شود که آیا نامبرده کماکان ملزم به باقی

ماندن در حلقه زوجیت غایب است یا چنین الزامی وجود ندارد و یا آنکه رعایت تشریفات خاصی در این مورد لازم است؟ و بسیاری سوالات دیگر که برای پاسخ دادن به این سوالات و ابهامات این تحقیق پدید آمده است.

هدف دیگر پژوهش بررسی تطبیقی بین مقررات حقوقی ایران و فقه اسلامی و بیان نظرات مشهور و غیرمشهور فقها و فحوص و بررسی آنان و ذکر مطالب و استدلالات حقوقدانان و اهل فن در خصوص حقوق (مالی و غیرمالی) و تکالیف زوجه غایب مفقودالاثر می باشد و در بخش آخر نیز به بررسی وضعیت ایشان در میان اقلیتهای غیرمسلمان ایرانی اعم از زرتشتی، مسیحی و کلیمی و برخی از

کشورهای خارجی اسلامی و غیر اسلامی با استفاده از منابع و کتب و حقوقی مختلف خواهیم پرداخت که امید است این مولفه کوچک بتواند دریچه‌ای برای تحقیقات گسترده‌تر پیش روی دانشجویان و همکاران عزیز قرار بدهد.

مبحث اول : نفقه زوجه غایب:

در این مبحث که شامل چهار گفتار است، بدواً به تعریف نفقه و بیان معنای لغوی و اصطلاحی نفقه می‌پردازیم و در گفتار دوم؛ ادله وجوب مهریه را در قرآن و سنت مورد بررسی قرار می‌دهیم، در گفتار بعدی از ویژگی‌ها و میزان نفقه زوجه صحبت می‌کنیم و در آخر به بررسی فقهی و قانونی نفقه زوجه خواهیم پرداخت.

گفتار اول - تعریف نفقه:

بند اول - معنای لغوی نفقه:

برای نفقه معانی مختلفی در کتاب های لغت بیان شده است از جمله:

ریشه ی معنای نفقه را صرف و خرج و آنچه که از دراهم کم و فانی شود، می دانند. همانگونه که در المنجد آمده «نفق ، ينفِقُ ، نفقاً = فقد و فنی و قُل « (چیزی کم و فانی شد).^۱

بعضی دیگر نفقه را به معنای آنچه که از دراهم بخشیده شود بیان کرده اند مثل اقرب الموارد که

^۱ معلوف، لویس، المنجد فی اللغة و فی الاعلام، انتشارات قدیر، ۱۳۸۱

می نویسد: « اسمٌ مِنَ الْإِنْفَاقِ وَ مَا تَنْفُقُهُ مِنَ الدَّرَاهِمِ وَ نَحْوِهَا»^۲

و برخی کتب لغت علاوه بر معانی بالا به معنای زاد و توشه و همچنین آنچه که زوج برای همسرش خرج می کند مثل طعام و لباس و مسکن و غیره اشاره دارد.

بالاخره گفته اند نفقه به فتح نون و فاء و قاف مصدر است از باب افعال و جمع آن نفاق و انفاق و نفقات است.^۳

^۲ الخوزی اللبنانی ، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشواهد ، ج ۲، ص ۱۳۳۱

^۳ ابراهیم انیس ، عبدالحلیم. متتصر... المعجم الوسیط (دفتر نشر اسلامی)، ج ۱/۲، ص ۹۴۲

و در فرهنگ لغات فارسی هم به معنی هزینه و
خرج و خرجی و روزی و مایحتاج آمده است^۴

بند دوم- معنای اصطلاحی نفقه:

تعریف اصطلاحی نفقه را از دو منظر مورد بررسی
قرار می دهیم، ابتدا نظر فقهای اسلام را در ارتباط با
نفقه بیان می کنیم و سپس به مواد قانونی مرتبط و
بحث در این خصوص می پردازیم.

الف- نفقه از نظر فقهای اسلام:

اکثر فقهای شیعه نفقه را به معنای «لباس، غذا،
مسکن و ...» می دانند.^۵ همچنین علمای عامه و

^۴ دکتر معین ، محمد . فرهنگ فارسی ، انتشارات امیر کبیر، تهران ، چاپ

حقوقدانان اسلامی نیز نفقه را همان لوازم ضروری زندگی و احتیاجات مادی که فرد برای همسر و بستگان خود انفاق می کند، می دانند.^۵

در اسلام، موجبات نفقه، در زوجیت، قرابت و ملک^۷ احصاء شده است و از نظر فقهی و حقوقی، تأمین مخارج و هزینه های خانواده به عهده ی مرد است و لذا هزینه ها و مخارج متعارف زن هم به

^۵ خمینی، روح ا...، تحریرالوسیله، ج ۲، ترجمه علی اسلامی، چاپ دفتر

انتشارات اسلامی، سال ۱۳۶۹، ص ۳۱۵

^۶ جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، جلد چهارم، مصر

مطلبه دارالامون، سال ۱۳۷۵، ص ۵۵۴

^۷ نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۳۱، داراحیاء التراث العربی

(بیروت)، سال ۱۹۸۱ میلادی، ص ۳۰۱

عنوان بخشی از خانواده به عهده ی مرد است و در عین حال مرد حق سلطه و استثمار زن را ندارد.

ب- نقه از نظر قانون مدنی:

قانون مدنی ایران در ماده ۱۱۰۶ مقرر می دارد: «در عقد دائم نفقه زن به عهده ی شوهر است.» و ماده ۱۱۰۷ می گوید: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه ی مرض یا نقصان اعضا»

بنابراین این مزیتی است که قانونگذار ایران برای زن قایل شده است و به موجب آن زن می تواند از شوهر مطالبه ی نفقه کند.

در مورد زوجه ی غایب نیز ماده ۱۲۰۵ قانون مدنی
مقرر می دارد:

« در موارد غیبت یا استنکاف شوهر از پرداخت
نفقه ، چنانچه الزام کسی که پرداخت نفقه به عهده
ی اوست ممکن نباشد، دادگاه می تواند با مطالبه ی
افراد واجب النفقه به مقدار نفقه از اموال غایب یا
مستکف در اختیار آنها قرار دهد...»

این حکم قانون مدنی مبتنی بر دلایل متعددی به
شرح ذیل می باشد:

یک علت واجب بودن نفقه زن بر مرد احتباس زن
است، همچنین به این علت که زن از مرد تمکین می
کند و بدون اجازه ی او حق خارج شدن از منزل را
ندارد و هر کسی که تحت اراده ی دیگری زندگی

کند، نفقه اش بر عهده ی او خواهد بود و در مورد
زوجه هم همین امر صادق است.^۸

مسئولیت رنج و زحمات طاقت فرسای تولید نسل
از لحاظ طبیعت بر عهده ی زن گذاشته شده و آنچه
در این کار از نظر طبیعی بر عهده ی مرد است یک
عمل لذت بخش آنی بیش نیست.^۹

زن و مرد از نظر نیروی کار و فعالیت های خشن
تولیدی اقتصادی مشابه و مساوی آفریده نشده اند
بلکه مرد قوی تر از زن است، همچنانکه بعضی در

^۸ بدران، ابوالعینین بدران، احکام الزواج و الطلاق فی الاسلام، درالنهضة
العربیه، ص ۱۷۵

^۹ مطهری، مرتضی، نظام حقوقی زن در اسلام، انتشارات صدرا، چاپ
بیست و یکم، ص ۲۶۴

تفسیر آیه ی « الرَّجَالُ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ » علت قوام بودن مرد را برتری قدرت بدنی او می دانند.^{۱۰}

باقی ماندن زن یعنی باقی ماندن جمال و نشاط و غرور زن، مستلزم آسایش بیشتر و تلاش کمتر و فراغ خاطر زیادتری است.^{۱۱}

زن از جنبه ی مالی و مادی متکی به مرد آفریده شده و مرد از جنبه ی روحی متکی به زن و زن بدون اتکاء به مرد، نمی تواند نیازهای فراوان مادی خود

^{۱۰} محقق، محمد باقر، حقوق مدنی زوجین، بنیاد قرآن، کتابخانه دانشگاه امام صادق، ص ۱۰.

^{۱۱} مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۶۵

را رفع کند ، از این رو اسلام، همسر قانونی را نقطه
ی اتکاءِ زن معین کرده است.^{۱۲}

احتیاج زن به پول و ثروت از احتیاج مرد زیادتر
است ، زیرا تجمل و زینت جزء زندگی زن و از
احتیاجات اصلی اوست.^{۱۳}

لذا یکی از وظایف مهمی که در دوران زناشویی
متوجه مرد است ، همانا وظیفه ی انفاق و تکفل
معیشت زن است ، محروم نمودن زن از حق انفاق و
مکلف نمودن او به شرکت در تهیه ی مایحتاج
زندگی مستلزم آن است که زن در امور اجتماعی و
مشاغل عمومی شرکت جوید و این الزام موجب آن

^{۱۲} منبع پیشین

^{۱۳} همان

است که زن از کارهای اختصاصی خود مانند بارداری، وضع حمل، پرورش کودک و انجام امور خانه بازماند، این است که شریعت اسلام زن را از شرکت در پرداخت هزینه‌ی زندگی معاف کرده است و نفقه او را در هر حال به عهده‌ی مرد گذارده است.^{۱۴} و این امر هم به علت ریاست مرد بر خانواده است، بدین معنا که چون ریاست خانواده بر عهده‌ی مرد است، قانونگذار او را موظف به تأمین معاش خانواده می‌داند یعنی تکلیف شوهر به دادن نفقه از توابع ریاست مرد بر خانواده است.

گفتار دوم - ادله‌ی وجوب نفقه :

^{۱۴} شریف، علی، نفقه و تمکین در حقوق خانواده، انتشارات بشارت،

در این گفتار به بررسی دلایلی از قرآن و سنت و همچنین اجماع فقها که بیانگر وجوب نفقه بر مرد است می‌پردازیم.

بند اول - ادله ی وجوب نفقه در قرآن کریم:

برای اینکه به بررسی مبحث نفقه بپردازیم مهمترین منبع و بهترین منبع قرآن کریم است. در قرآن کریم آیات متعددی راجع به نفقه آمده است.

ما با مراجعه به تفاسیر تعدادی از این آیات را بیان می‌کنیم:

فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ
ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا.^{۱۵}

قرآن کریم در آیه ی ۳ سوره ی نساء در ضمن بیان مسئله ی تعدد زوجات می فرماید: اگر ترس دارید که میان زنان به عدالت رفتار نکنید و از عهده ی تکالیف خود برنیاید به زن یا به کنیزان اکتفا کنید که آن به عدالت و عدم تجاوز به حقوق آنها نزدیکتر است. در این آیه خداوند تبارک و تعالی حد نهایی داشتن همسر را برای مردان تا چهار زن تعیین می فرماید و علاوه بر آن مردان را به عدالت در

^{۱۵} سوره نساء ، آیه ی ۳

خصوص زنان دعوت می کند و عدم پرداخت نفقه
یک شکل از جور و عدم رعایت عدالت است.
شیخ طوسی (ره) ^{۱۶} در تفسیر آن آیه می
فرماید ک «الا تعولوا» چند معنا دارد و معنای صحیح
آن «الّا تجوروا» است یعنی اگر ترس دارید به زنان
جور و ستم شود پس یک زن اختیار کنید یا حتی به
کنیزان اکتفا نمایید پس ستم کردن به زنان به هر
شکلی ممنوع است.

شیخ طبرسی در تفسیر آن آیه «الّا تعولوا» را به
معنای «الّا تجوروا و تمیلوا» معنا می کند. البته در
تمام معانی تساوی حقوق بین زنان متعدد، نه فقط

^{۱۶} شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، البیان فی تفسیر القرآن، جلد

نفقه بلکه از قسَم^{۱۷} ، نفقه و سایر وجوه تسویه را شامل می شود. ایشان معتقد است اگر معنای « ادنی الا تعولوا» را «ادنی ان لا تکثر عیالکم» معنا کنیم این دارای ضعف است زیرا در خود آیه دلیلی بر ابطال این استدلال وجود دارد به این دلیل که ادامه ی آیه که می فرماید: «او ما مَلکت ایمانکم» معلوم می کند

^{۱۷} قسم: عبارت است از قسمت کردن شارع ، شب های شوهر را میان او و زنان او ، دو تبصره آمده است: برای یک زن دائمی، یک شب از چهار شب است که با شوی خود بیتوته کند و شوهر سه شب دیگر آزاد است و برای دو زن دائمی (دو شب از چهار شب) و برای سه زن دائمی (سه شب از چهار شب) و هرگاه مرد چهار زن داشته باشد، برای هر یک ، یک شب و شب آزاد برای مرد نمی ماند.

قسم حقی است مشترک بین زن و شوهر ، زیرا ثمره ی آن به هر دو عاید می شود و آن معاشرت و مصاحبت با یکدیگر است. این مطلب از کتاب مبادی نفقه و اصول ، تألیف دکتر علیرضا فیض ، ص ۳۲۸ بیان شده است.

که آنچه که همسران در نفقه به آن محتاج هستند، عین همان موارد در نفقه کنیزان هم باید رعایت شود.^{۱۸}

علامه طباطبایی هم در تفسیر این آیه معتقد است که دلیل آیه بر اینکه تخصیص به کنیزکان زده، نه اینست که در مورد آنان ظلم و تعدی جایز است، زیرا خداوند ظلم را دوست نداشته و هرگز آن را بر بندگان خود روا نمی‌دارد، بلکه مراد این است که چون در مورد کنیزان حقی از نظر وقت منظور نشده، رعایت عدالت در مورد آنان آسانتر است و معنای این قسمت آیه که می‌فرماید «الّا تعولوا» را چنین

^{۱۸} شیخ طبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان، فی تفسیر القرآن، ج ۳، انتشارات معارف اسلامی. در ده مجلد، ص ۳۲.

بیان می‌دارند: این روش که تشریح شده، به عدالت و عدم تجاوز به حقوق نزدیکتر است، این جمله با حکمتی که در آن ذکر شده دلالت می‌کند که اصولاً اساس تشریح در احکام نکاح بر پایه‌ی عدل و منحرف نشدن و تجاوز نکردن به حقوق گذارده شده است»^{۱۹}

نتیجه‌ای که از مباحث در این آیه می‌توانیم بگیریم این است که: خداوند متعال در این آیه اجازه‌ی تعدی و تجاوز به حقوق زنان را نداده است و به مرد تکلیف فرموده که رعایت عدالت و عدم تجاوز به حقوق زنان را بکنند و در اینجا این سؤال مطرح

^{۱۹} علامه طباطبایی، سید محمد حسین المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه‌ی

می شود که اگر مردی توانایی پرداخت نفقه یک همسر را داشته باشد و بیش از یک همسر اختیار کند آیا تجاوز به حقوق همسر اول نیست؟ به نظر می رسد این چنین است زیرا در صورت عدم توانایی مرد در پرداخت نفقه هر زن به صورت کامل این مقدار که وسع مرد است بین همسران او تقسیم می شود که این از عدالت خارج است.

الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ... بَعْضُهُمْ
عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا انْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ
حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ...^{۲۰}

«مردان بر پا دارنده ی زنانند به آن فزونی‌ها که خداوند برخی از ایشان را بر برخی دیگر داده است و به آنچه از اموالشان می‌بخشد پس زنان نیکوکار (هم) متواضع و نگهدار سرّ شوهران باید باشند در برابر آنچه خداوند (از حقوق آنان) حفظ نموده است»^{۲۱}

شیخ طبرسی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «قوأم برای مبالغه و تکثیر آمده است و قوأم یعنی مسلط بودن مردان بر زنان در تدبیر و تأدیب و تعلیم و ...
«و بما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» به خاطر پرداخت مهر و نفقه است که یک دلیل قوأمیت مرد بر زن و

^{۲۱} شیخ طبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن

همینطور عهده دار بودن امورات زن همین مسئله ی پرداخت مال به زن است».^{۲۲}

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می فرماید: «قیم کسی را گویند که مهمّ کس دیگری را انجام دهد و قوام و قیام صیغه ی مبالغه ی آن می باشد و ... و مراد از انفاق، نفقه و مهریه است که مردان به زنان می پردازند.»

در تفسیر نمونه هم در تفسیر «بما انفقوا من اموالهم» چنین آمده است:

^{۲۲} علامه طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۵۰۷

«و نیز این سرپرستی به خاطر تعهداتی است که مردان در مورد انفاق کردن و پرداخت های مالی در برابر زنان و خانواده به عهده دارند.»^{۲۳}

«و عاشرُوْهنَّ بِالْمَعْرُوفِ»

«با زنان به طرزى معاشرت كنيد كه مرسوم و معروف است»

علامه طباطبایى مى فرماید: معروف به کارى مى گویند که در جامعه مجهول نباشد و ایشان ادامه مى دهند که: طرز معاشرت متعارف، معاشرت در یک زندگى اجتماعى است. هریک از افراد اجتماع باید به قدر قدرت خود در رفع احتیاجات جامعه بکوشند

^{۲۳} جمعى از محققین (زیر نظر آیت ا... مکارم شیرازى)، تفسیر نمونه، ج ۳،

چاپ ۲۶، درالکتب الاسلامیه، در ۲۷ مجلد، سال ۱۳۷۳، ص ۳۷۰.

و آنچه را مورد استفاده ی اوست کسب کنند و
مازاد را در اختیار دیگران قرار دهند. پس اگر با
یکی از افراد اجتماع غیر از این معامله ای کنند
استثنایی غلط در معاشرت متعارف قایل شده اند.

پس حکم برابری در معاشرت یعنی آزادی
اجتماعی، مجزا بوده و زن نیز مثل مرد آزاد است و
در واقع هر انسانی از آن جهت که انسانی با فکر و
اراده محسوب می شود، اختیار کسب منفعت و دفع
ضرر را با استقلال تام دارد»^{۲۴}

شیخ طبرسی در تفسیر این آیه می فرماید: منظور
این است که با زنان مصاحبت و معاشرت کنید،

^{۲۴} علامه طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۴۰۴

بدین صورت که اداءِ حقوق ایشان کنید، همانطور که خداوند فرموده است یعنی انصاف در قسم ، در نفقه و کوتاهی در کلام و فعل و گفته شده منظور از معروف این است که به آنها اسائه ادب نشود و با خوشرویی با آنها برخورد شود و همینطور آنچه را مرد برای خود آماده می کند برای او هم آماده کند.^{۲۵}

« وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا الْاَوْسَعَهَا »

^{۲۵} شیخ طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۴

«در خوراک و پوشاک مادران، به طور متعارف به عهده ی صاحب فرزند است، هیچ کس جز به اندازه ی توانایش تکلیف نشود»^{۲۶}

شیخ طبرسی در تفسیر آیه می فرماید: «علی المولود له» یعنی پدر، وظیفه ی آماده کردن طعام و خوراک و پوشاک زن را بر عهده دارد که به معروف عمل کند و آن به اندازه ی توانایی مرد است و گفته شده از این آیه معنای نفقه زوجات فهمیده می شود وقول «لا تکلف نفس الاوسعها» یعنی به قدر طاقت مرد نفقه واجب است.^{۲۷}

^{۲۶} سوره البقره ، آیه ی ۲۳۳

^{۲۷} شیخ طبری ، ابو علی الفضل بن الحسن ، مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۵

در تفسیر نمونه هم در تفسیر این آیه آمده است: در اینجا تعبیر «المولود له» (یعنی کسی که فرزند برای او تولد یافته) به جای تعبیر به «الاب» (پدر) جلب توجه می کند و گویا بر این است که عواطف پدر را در راه انجام وظیفه ی مزبور، هر چند بیشتر تحریک کند، یعنی اگر هزینه ی کودک و مادر او در این موقع بر عهده ی پدر گذاشته شود و به خاطر این است که فرزند اوست و میوه ی دل او، نه یک مرد بیگانه»^{۲۸}

در تفسیر مافی هم در توضیح این آیه می فرماید:

^{۲۸} علامه طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۴۰

«وعلى المولود له» یعنی کسی که فرزند مال اوست. و او پدر اوست و این اشاره به این مطلب است که فرزند مال پدر است و به همین خاطر به او نسبت داده می شود. و علت اینکه به جای «مولود له» زوج گفته نشده این است که گاهی کسی که نفقه دادن بر او واجب است زوج نیست مثل زن مطلقه (که نفقه اش بر شوهر سابقش واجب است)^{۲۹}

۲- ادله ی وجوب نفقه در سنت:

با مرجعه به احادیث و روایات می بینیم که پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت علیهم السلام راجع به نفقه زن

^{۲۹} سوره البقره ، آیه ۲۸۹-۲۲۸

تأکید و سفارش بسیار فرموده اند، در اینجا تعدادی
از این احادیث را نقل می کنیم:

روی عن رسول... (ص) انه قال في خطبه الوداع:
اتقوا... في انساءِ فانكم اخذتموهنَّ بآمانه... و
استحلكتنَّ فروجهنَّ بكلمه... و لهنَّ عليكم رزقهنَّ و
كسوتهنَّ بالمعروف»^{۳۰}

روایت شده است از پیامبر اکرم (ص) که فرمودند
در خطبه الوداع:

«تقوا پیشه کنید درباره ی زنان همانا آنها را به
امانت خداوند گرفته اید و آنها به نام خداوند بر شما

^{۳۰} شیخ طبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۲۷

حلال شده اند و حق آنهاست بر شما که رزقشان و پوشاکشان را به طور معروف بدهید»

روی عن امام زین العابدین (ع) (المعرفه برساله الحقوق):

«أما حقُّ رعيَّتِكَ بملكِ النِّكاحِ، فإنَّ تَعَلَّمَ أَنَّ...
جَعَلَهَا سَكْنًا و مُسْتَرَاحًا و أُنْسًا و واقِئِهِ و كَذَلِكَ كُلُّ
وَاحِدٍ مِنْكُمْ يُحِبُّ أَنْ يَحْمَدَ... عَلَى صَاحِبِهِ يَعْلَمُ أَنَّ
ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنْهُ عَلَيْهِ و وَجَبَ أَنْ يُحَسِّنَ صُحْبَةَ نِعْمَةٍ...
يُكْرِمُهَا و يُرْفَقُ بِهَا وَإِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا اغْلَظَ و
طَاعَتِكَ بِهَا أَلْزَمَ فِيمَا أَجَبْتَ و كَرِهْتَ مَا لَمْ تَكُنْ
مَعْصِيَهُ، فَإِنَّ لَهَا حَقَّ الرَّحْمَةِ و الْمَوَانِسَةِ و مَوْضِعَ

السُّكُونِ إِلَيْهَا قَضَاءَ اللّٰذِهِ الَّتِي لَابَدًا بَيْنَ قَضَائِهَا وَ
ذَلِكَ عَظِيمٌ وَ لَا قَوْلَ {الَا بَا...}»^{۳۱}

اما حق همسری که زیر دست توست آن است که
بدانی خداوند متعال او را وسیله ی آرامش و آسایش
و انیس و مونس و نگهدارنده ی نفر (از انحراف)
قرار داده است و همچنین هر یک از شما زن و شوهر
باید به خاطر وجود همسرش خدا را شکر کند و
بداند که این نعمت را خداوند به او داده و لازم است
که با نعمت خدا خوش رفتاری کند و آن را گرامی
دارد و با او بسازد و گرچه حق تو بر همسرت سخت
تر و اطاعت او از تو لازم تر است نسبت به آنچه که

^{۳۱} البحرانی، حسن بن علی بن الحسین بن شعبه ، نحف العقول ، جلد

تو بخواهی یا نخواهی، تا وقتی که خواسته ی تو معصیت خدا نباشد، او باید فرمان تو را ببرد، با این همه، همسر، حق نوازش و همدمی و جایگاه آرامش دارد، جایگاه برآوردن لذتی که تو ناگزیر از آنی و این حق بزرگی است، هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست»

امام سجاد (ع) در این فراز بیان بسیار زیبا و کاملی را در رابطه با نفقه همسر بیان می فرمایند: «فردی که همسری را به ازدواج خود درآورده، نسبت به او وظیفه ی سرپرستی دارد و باید با او بامهر و احسان رفتار کند و با او مدارا کند و باید بداند که آنچه از وی بهره برداری می کند نعمتی است از جانب

خدای متعال، پس باید این نعمت را پاس بدارد و رعایت کامل آن را بنماید.

عن الصادق جعفر بن محمد، عن آبائه، عن علی علیه السلام قال:

قالَ رسولُ ... (ص): أَنَّ فِي الْجَنَّةِ غُرْفًا تَرَى ظَاهِرَهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَ بَاطِنَهَا مِنْ ظَاهِرِهَا يَتَسَكَّنُهَا مِنْ أُمَّتِي مِنْ أَطَابِ الْكَلَامِ وَ أَطْعَمِ الطَّعَامِ وَ أَفْشَاءِ السَّلَامِ وَ أَدَامِ الصِّيَامِ وَ صَلَّى بِاللَّيْلِ وَ النَّاسِ يَنَامُ، فَقَالَ عَلِيُّ (ع)، يَا رَسُولُ ... وَ مِنْ يُطِيقُ هَذَا مِنْ أُمَّتِكَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ أَوْ مَا قَدَّرِي مَا أَطَابَهُ الْكَلَامَ؟ مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ وَ أَمْسَى: سُبْحَانَ ... وَ الْحَمْدُ ... وَ لَا إِلَهَ

الا... و ا... اکبر» - عشر مرات - و اطعام نَفَقَه الرَّجُلِ
على عياله...^{۳۲}.

در حدیثی از امام صادق از پدارنش از علی علیه
السلام نقل شده است که فرمود: پیامبر اکرم (ص)
فرمودند: در بهشت اطاق هایی است که از بیرون،
داخل آن پیدا است و از داخل، بیرون آن پیدا است. در
داخل این اطاق ها از امت من، کسانی که کلام
خوب، اطعام کردن طعام و فشاء کردن سلام و روزه
داشتن و نماز خواندن در شب هنگامی که مردم در
خواب هستند را انجام دهند در آن ساکن هستند.

^{۳۲} ابن بابویه قمی (شیخ صدوق) ف محمد بن علی بن حسین ، معانی

پس علی (ع) فرمودند: یا رسول ا... چه کسانی از امت شما جزء این افراد هستند؟ پیامبر اکرم فرمودند: ای علی می دانی چه کسانی کلامش طیب است؟ کسی که هنگام صبح و عصر، ده بار بگوید: «سبحان ا... و الحمدا... و لا اله الا ا... و ا... اکبر» و اطعام کردن طعام، نفقه مرد بر همسرش باشد.

گفتار سوم - ویژگی ها و میزان نفقه زوجه:
در گفتار پیش رو، در خصوص ویژگیها و خصوصیات نفقه و مقدار و میزان نفقه زوجه به بحث و بررسی می پردازیم.

بند اول - ویژگی های نفقه زوجه:

الف - تقدم نفقه زوجه بر نفقه اقارب

فقهای اسلام، نفقه زوجه را به اقارب مقدم می
دارند: ^{۳۳}

محقق حلی در این زمینه می‌فرماید: «نفقه زوجه
بر نفقه اقارب مقدم است»

پس اگر از غذای زوجه اضافه آمد به اقارب داده
می‌شود، چیزی به اقارب داده نمی‌شود مگر بعد از
اضافه آمدن از نفقه واجب زوجه، زیرا نفقه زوجه
معاوضه است و بر ذمه زوج ثابت می‌ماند. ^{۳۴}

^{۳۳} محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم ابن
احمد یزدی، بکوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران،

سال ۱۳۴۷، ص ۵۷۳

^{۳۴} (منبع پیشین)

صاحب جواهر، نفقه اقارب را بر نفقه ی گذشته ی
زوجه که دین شده است را مقدم می داند. البته
ایشان مقدم بودن نفقه ی حال یا آینده ی زوجه را بر
نفقه اقارب قبول دارند.^{۳۵}

قانون مدنی ایران نیز در ماده ی ۱۲۰۳ صریحاً بیان
می دارد:

«در صورت بودن زوجه و یک یا چند نفر واجب
النفقه دیگر، زوجه مقدم بر سایرین خواهد بود»
علت تقدم نفقه زن بر نفقه اقارب، تفاوت در علت
های استحقاق آنها می باشد زیرا نفقه زن، نفقه
معوضه است و در برابر حبس زوجه به وی پرداخت

^{۳۵} نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۳۱، داراحیاء التراث
العربی، بیروت، ۱۹۸۱ میلادی، ص ۳۱۰.

می شود. (یعنی در برابر اینکه زن نفس خویشتن را در اختیار شوهر قرار داده و آزادی های خویش را حتی بیرون رفتن از منزل را مقید به اراده ی شوهر نموده است و خود را موظف به اطاعت از شوهر کرده است) برخلاف نفقه اقارب که نیکی و احسان است و از جهت صله رحم و خویشاوندی واجب است.^{۳۶}

البته ممکن است در مورد زوجه غایب این ایراد وارد شود که به علت غیبت زوج، استمتاع از زن صورت نمی گیرد، بنابراین این نفقه هم که فرع بر این استمتاع است نباید به زوجه تعلق گیرد.

^{۳۶} فرشتیان، حسن، نفقه زوجه در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم، چاپ اول، ص ۱۱۴

در پاسخ باید گفت هرگاه استمتاع از زوجه به علت غیبت ممکن نباشد در حقیقت این امر به علت وضعیتی است که خود زوج به وجود آورده است به عبارت دیگر عدم استمتاع در واقع معلول عمل زوج بوده که زوجه هیچ نقشی در آن ندارد.

ب- تمکن مالی زوجین در ارتباط با نفقه:

وجوب نفقه زن مشروط به تمکن مرد یا عدم تمکن زن نیست، بنابراین هر چند که زن ثروتمند و یا بی چیز باشد، نفقه او قانوناً به عهده ی شوهر است ولی در مورد اقارب انفاق به خویشاوندان در صورتی واجب است که انفاق کننده تمکن پرداختن آن را زاید بر مخارج خود داشته باشد و گیرنده ی نفقه نیز، نیازمند به آن باشد ولی تکلیف زوج به پرداختن نفقه

زن منوط به هیچ یک از این دو شرط نیست. یعنی زن ثروتمند می تواند از شوهر فقیر خود مطالبه ی نفقه کند.^{۳۷}

ج- حق مطالبه ی نفقه زمان گذشته توسط زوجه: به دستور ماده ۱۸۱۱ و ۱۲۰۶ قانون مدنی زن می تواند نفقه گذشته ی خود را مطالبه کند. براساس ماده ی ۱۱۱۱ قانون مدنی: «زن می تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد».

^{۳۷} کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، جلد اول (نکاح و طلاق)، ناشر شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، سال ۱۳۷۵، ص ۱۶۲.

و برطبق ماده ی ۱۲۰۶ قانون مدنی: «زوجه در هر حال می تواند برای نفقه ی زمان گذشته ی خود اقامه ی دعوی نماید...» برطبق دو ماده ی مذکور زن می تواند نفقه ی گذشته ی خود را مطالبه نماید زیرا هیچ تکلیفی از عهده ساقط نمی گردد مگر آنکه ایفا شود و یا دارنده ی حق آن را ساقط نماید و هیچنین در مواردی که قانون معین نموده است تأخیر و گذشتن زمان تأدیه نفقه زن موجب نمی شود که حق نفقه ساقط شود، بنابراین مادام که نفقه زن دائم تأدیه نشده برعهده ی شوهر و دین می باشد و در هر زمان قابل مطالبه است.^{۳۸}

^{۳۸} امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد چهارم، کتابفروشی اسلامی،

د- تقدم نفقه زوجه بر ساير ديون شوهر:

قانون مدنی ایران نفقه زوجه را در حال ورشکستگی و اعسار مرد جزء ديون ممتازه محسوب می کند. ماده ی ۱۲۰۶ در این خصوص مقرر می دارد: «زوجه در هر حال می تواند برای نفقه ی گذشته ی خود اقامه ی دعوی نماید و طلب او از بابت نفقه مزبور طلب ممتازه بوده و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر، زن مقدم بر غرما خواهد بود ولی اقارب فقط نسبت به آینده می توانند مطالبه ی نفقه نمایند.

بعضی از اساتید حقوق مدنی معتقدند که ماده ی ۲۲۶ قانون امور حسبی یا ماده ی ۵۸ قانون تصفیه که نفقه زن را در طبقه ی چهارم قرار داده است در این